سی‌ودومین همایش بانکداری اسلامی: نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی: مبانی نظری، تجارب جهانی و توصیه‌های سیاستی
۸ و ۹ شهریور ماه ۱۴۰۱، صص. ۵۷-۷۶

بررسی نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی: نقش حاکمیت شرعی، حاکمیت شرکتی و مسائل نمایندگی

آرش تفنگ‌ساز[۱]

چکیده

امروزه، سیستم نظارت شرعی در چهارچوب حاکمیت شرعی، ساختار یافته است. در این بین، تأسیس مؤسسات مالی منطبق با شرع، تلاشی از سوی مسلمانان برای گذراندن تمام ابعاد زندگی اقتصادی براساس قرآن و حدیث و نیازهای جامعه به بانکداری بدون رباست. با این حال، توسعه بانک‌های اسلامی در سرتاسر جهان همچنان با موانع زیادی مواجه است. زیرا آن‌ها در میان تحولات و شیوه‌های ریشه‌دار بانکداری متعارف ظهور کرده‌اند. نظام بانکی در اکثر کشورهای اسلامی و بعضاً غیراسلامی، از خدمات نهاد ناظر شرعی در سطوح مختلف و تحت عناوین گوناگونی مانند هیئت شریعت، شورای شریعت (فقهی) و کمیته شریعت، برای اجرای صحیح بانکداری اسلامی بهره می‌برد. به‌نظر می‌رسد فقدان چنین نهادهایی در نظام بانکی ایران، زمینه بروز شبهه‌های شرعی درباره فعالیت‌های پولی و مالی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، حاکمیت شرکتی موضوعی است که به‌عنوان اصل بنیادی در عملکرد بانک‌ها شناخته می‌شود که توجه بسیاری از دانشگاهیان، اقتصاددانان و سیاستمداران را به‌خود جلب کرده است. زیرا اقدامات مؤثر حاکمیت شرکتی در راستای دستیابی و حفظ اعتماد عمومی و اعتماد به‌نظام بانکی ضروری است. به‌طوری که این موضوع در کارکرد مناسب بخش بانکی و اقتصادی به‌عنوان یک مجموعه کلی بسیار حیاتی است. از این‌رو، در پژوهش حاضر، به بررسی نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی، نقش حاکمیت شرعی، حاکمیت شرکتی و مسائل نمایندگی پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نظارت و تطبیق شرعی، حاکمیت شرعی، حاکمیت شرکتی، مسائل نمایندگی
JEL: H10, G18, D60

---

[۱] دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان شاغل در بانک شهر، (نویسنده مسئول)؛ atofangsaz63@gmail.com

مقدمه

مقدمه و ظهور بانکداری اسلامی توسط تعداد فزاینده‌ای از مسلمانانی هدایت شده که به زندگی تحت قوانین اسلامی مایل بودند. در حال حاضر، بانکداری اسلامی هنوز هم می‌تواند به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی (امارات)، کویت، قطر، ترکیه، بحرین، اندونزی و مالزی توسعه یابد که بیشتر مردم آن‌ها مسلمان هستند. (هندیانی و همکاران[1]: ۲۰۲۰، ص. ۹۹) بانک‌های اسلامی، خدمات مشابه بانک‌های معمولی ارایه می‌دهند. با وجود این، تفاوت اصلی بین این بانک‌ها، این است که بانک‌های اسلامی اساساً بر مبنای اصول شرع فعالیت می‌کنند. (نومران و همکاران[2]: ۲۰۱۸، ص. ۲۹۲)

نظارت شرعی، عنصر اصلی حاکمیت شرعی بوده و به‌عنوان یکی از راهبردهای بانک‌های اسلامی برای جلب اعتماد ذی‌نفعان، به‌ویژه مشتریان است. همان‌طور که توسط هیئت خدمات مالی اسلامی[3] (۲۰۰۹) ذکر شده است، سیستم حاکمیت شرعی، به مجموعه ترتیبات نهادی و سازمانی‌ای اشاره دارد که از طریق آن، مؤسسات مالی اسلامی، نظارت مستقل مؤثر بر تطبیق با شرع را تضمین می‌کنند. حاکمیت شرعی از نظر ساختار سازمانی جزء اضافی از نظام حاکمیت شرکتی است که توسط کمیته شرعی، نمایندگی می‌شود که اعضای آن متخصصان امور مالی و قوانین مالی اسلامی هستند. نقش اصلی این کمیته، تأیید اسلامی بودن خدمات بانکی است که به بازار ارایه می‌شود. این کار با بررسی این موضوع صورت می‌گیرد که آیا آن‌ها مطابق با شرع هستند یا خیر. (اسماعیل و ون چیک[4]: ۲۰۲۰، ص. ۳۰)

توسعه بانکداری اسلامی در چند دهه گذشته، نیاز به معرفی رهنمودهای صریح شرعی را برای اطمینان از کاربرد اصول شرعی در این صنعت، برجسته کرده است. در حالی که نظام حاکمیت شرکتی غربی، مبتنی بر منافع شخصی است، هدف نهایی در نظام حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی، تحقق اهداف شرعی اسلامی است. اهداف شرعی اسلامی به‌عنوان ابزاری برای حفظ منافع و مصالح جامعه تعریف شده است. گنجاندن اصول شرعی در مؤسسات مالی بین‌المللی و نظارت مستمر بر عملیات

[1] Handayani et all
[2] Nomran et all
[3] Islamic Financial Services Board (IFSB)
[4] Ismail & Wan Chik

آن‌ها برای اطمینان از تطبیق آن‌ها با احکام شرعی، همان چیزی است که به‌عنوان «حاکمیت شرعی» شناخته می‌شود. (حسن[۱]: ۲۰۱۲، ص. ۲)

این سیستم تعهدی، نه تنها عملکرد صحیح بانک‌های اسلامی را براساس اصول شرعی تضمین می‌کند، بلکه با ترویج اصول شفافیت و افشای اطلاعات، اعتماد و اطمینان بیشتری را در میان امت اسلامی ایجاد می‌کند. اما با توجه به نقش انکارناپذیر حاکمیت شرعی در پرداختن به مسائل بانکداری اسلامی، هنوز در مراحل اولیه توسعه قرار دارد و با چالش‌های متعددی مواجه است که توجه بیشتری را می‌طلبد. در این راستا، نهادهای مختلف در کشورهای مسلمان مانند سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی[۲]، سازمان همکاری اسلامی[۳] و هیئت خدمات مالی اسلامی سعی کرده‌اند با صدور رهنمودها و تعیین استانداردها، شیوه‌های حاکمیت شرعی را تنظیم کنند. (نیساری[۴]: ۲۰۲۰، ص. ۳۸۲)

چهارچوب حاکمیت شرعی برای نخستین‌بار در سال ۲۰۱۰ صادر شد و از تلاش‌های قابل توجه در طراحی و ایجاد یک سازوکار حاکمیت شرعی مؤثر در بانک‌های اسلامی است. این چهارچوب از اول ژانویه ۲۰۱۱ اجرایی و بعداً در سال ۲۰۱۷ تجدیدنظر شد. چهارچوب حاکمیت شرعی در سال ۲۰۱۰، نقطه عطفی در تکامل چهارچوب نظارتی حاکمیت شرعی در نظر گرفته شد. (رملی و همکاران[۵]: ۲۰۱۴، ص. ۴) موضوع حاکمیت شرعی، موضوع بسیاری از مطالعات در سال‌های اخیر بوده که اکثر آن‌ها دیدگاهی هنجاری در مورد این موضوع دارند.

در مطالعه محمد و سولونگ[۶] (۲۰۱۹، ص. ۴) در مورد ادبیات مربوط به شرع و سازوکار حاکمیت شرکتی، آنان دریافتند که رویکردهای متفاوتی توسط کشورهای مختلف با توجه به نیاز، وضعیت اقتصادی و مقررات کشور، اتخاذ شده است. ظاهراً بیشتر متون به بررسی نقش‌ها و مسئولیت‌های هیئت‌مدیره و کمیته شرعی از قبیل اندازه، استقلال، تخصص و عضویت متقابل آن‌ها پرداخته است. با این حال، چند استثنا وجود دارد که ارکان اساسی حاکمیت شرعی را در مؤسسات مالی بین‌المللی اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. از میان این محققان، عبدالرحمن و همکاران[۷] (۲۰۰۵، ص. ۶) ادراک مدیران بانک‌های مالزی را از مسئولیت و استقلال مشاوران شرعی مورد مطالعه قرار دادند.

[1] Hasan
[2] Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)
[3] Organization of Islamic Cooperation (OIC)
[4] Naysary
[5] Ramli et all
[6] Muhammad & Sulong
[7] Abdul Rahman et all

نتایج آن‌ها حاکی از آن است که مدیران در زمینه مسئولیت‌پذیری معتقدند مشاوران شرعی نسبت به ذی‌نفعان خارجی مسئولیت بیشتری دارند که اعتماد به عملکرد بانک‌ها برای بقای این صنعت بسیار مهم است. آنان در مورد استقلال مستشاران شرعی دریافتند که عواملی مانند وجود شورای عالی، سطح سابقه شرعی مستشاران شرعی و شهرت آن‌ها به‌طور قابل توجهی بر میزان استقلال در میان مشاوران شرعی، تأثیر می‌گذارد.

حمزه[1] (۲۰۱۳، ص. ۲۲۸) با مطالعه دو الگو مختلف از چهارچوب حاکمیت شرعی در کشورهای مختلف به این نتیجه رسید که در الگوهای غیرمتمرکز حاکمیت شرعی مانند کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مدیریت صحیح تضاد منافع بین کمیته شرعی و مؤسسات مالی اسلامی و دستیابی به اجماع در تفاسیر شرعی دشوارتر است. از سوی دیگر، در الگوی متمرکز که در کشورهایی مانند مالزی، پاکستان و سودان اجرا می‌شود، موقعیت و استقلال اعضای هیئت نظارت شرعی قوی‌تر است و می‌توان اختلاف در تفاسیر را به‌نحو مؤثرتری حل کرد. کاسپر[2] (۲۰۱۲، ص. ۶) با در نظر گرفتن رعایت اصول حاکمیت شرعی با مقررات حاکمیت اروپایی، به موضوع استقلال و صلاحیت کمیته‌های شرعی اشاره کرد. او هیچ مانعی برای اعضای شورای امنیت در رابطه با استقلال نیافت، اگر چه فقدان افراد شایسته در بانکداری شرعی و اسلامی به‌عنوان یک مانع شناخته شد.

حسن (۲۰۱۲، ص. ۱) در بررسی خود در مالزی، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و بریتانیا، شش موضوع اصلی مرتبط با حاکمیت شرعی را شناسایی کرد. این موضوعات عبارتند از: استقلال، شایستگی، محرمانه بودن، سازگاری، افشا و شفافیت. او با ایجاد یک شاخص حاکمیت شرعی برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرعی در ۸۰ مؤسسه مالی بین‌المللی سرمایه‌گذاری در سراسر مالزی، شورای همکاری خلیج فارس و بریتانیا دریافت که بیش از ۶۵ درصد از مؤسسات مالی اسلامی در «عمل بهبود یافته»، «عمل در حال ظهور» و «عمل توسعه نیافته» حاکمیت شرعی قرار دارند. در حالی که کمتر از ۳۵ درصد آن‌ها در رده «عمل خوب» قرار دارند. در بین کشورهای نمونه، مالزی عملکرد بهتری نسبت به سایر کشورها نشان داد، کشورهایی که اکثر مؤسسات مالی اسلامی در رده «عمل خوب» رتبه‌بندی شده‌اند. در مقابل، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس امتیاز ضعیفی کسب کردند و به‌عنوان «عملیات نوظهور» رتبه‌بندی شدند. با کمال تعجب، یافته‌ها نشان داد که بریتانیا در وضعیت «بهبود عملکرد» قرار دارد که بهتر از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. مطالعه

[1] Hamza
[2] Casper

او را می‌توان در زمره نخستین تلاش‌ها برای تعیین کمیت حاکمیت شرعی در کشورهایی دانست که بانکداری اسلامی در آن‌ها انجام می‌شود که گام بزرگی برای درک بهتر این موضوع است. البته شایان ذکر است که از بین ۲۲ بانک اسلامی در انگلستان، تنها دو بانک در مقایسه با ۱۸ بانک در مالزی و ۳۵ بانک در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای تجزیه و تحلیل انتخاب شدند. این عامل می‌تواند سوگیری در تحقیق را افزایش و توانایی تعمیم نتایج را در انگلستان کاهش دهد.

گیننا و حمید[1] (۲۰۱۵، ص. ۱۰) با تأکید بر ریسک عدم رعایت شرعی، شواهد محکمی ارایه کردند مبنی بر این‌که اصرار برای تدوین الگوی حاکمیت شرعی جامع برای رسیدگی به این خطر منحصر به‌فرد در مؤسسه مالی اسلامی وجود دارد. به‌طور کلی، آن‌ها تأیید کردند که صلاحیت کمیته شرعی و استقلال آن، چالشی برای بانک‌های اسلامی است. علاوه بر این، با مقایسه الگوهای مختلف کمیته‌های شرعی نظیر الگوهای مرجع مرکزی و الگوهای غیرمتمرکز، به نقش‌ها و مسئولیت‌های کمیته شرعی و پاسخگویی آن‌ها به سهامداران کلیدی اشاره کردند. موضوع وحدت در مرجع شرعی که حاکی از قوام در احکام شرعی است، یکی دیگر از موضوعات کلیدی جاری در حاکمیت شرعی است. موضوع افشای اطلاعات در حاکمیت شرعی توسط رحمان[2] (۲۰۱۵، ص. ۱۲) برجسته شده که آخرین مقررات حاکمیت شرعی در مورد افشای اطلاعات در مالزی را با استانداردهای بین‌المللی (هیئت خدمات مالی اسلامی و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی) مقایسه کرد. او با استفاده از نسبت افشای حاکمیت شرعی در موارد موجود در گزارش کمیته شرعی، دریافت که مقررات مالزی در مورد حاکمیت شرعی، جامع‌تر از مقررات بین‌المللی است. با توجه به این‌که نظام حاکمیتی شرکتی در ایران، موضوع نسبتاً جدیدی است، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و اقداماتی در بررسی اجرایی کردن ابعاد مختلف آن به‌صورت غیرمنسجم در بازار پول و سرمایه کشور صورت پذیرفته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی، نقش حاکمیت شرعی، حاکمیت شرکتی و مسائل نمایندگی است. از این‌رو، در ادامه به بررسی ادبیات نظری و پیشینه پژوهش پرداخته شده که شامل مباحثی در رابطه با تأثیر حاکمیت شرعی و حاکمیت شرکتی و اجرای رعایت شرعی بر سطح اعتماد مشتریان در بانک‌های اسلامی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل تجربه نظارت شرعی در ایران، مسائل نمایندگی در بانکداری اسلامی و در نهایت، پیشینه پژوهش است.

[1] Ginena & Hamid
[2] Rahaman

پیشینه پژوهش

- سوپریتنا و همکاران[1] (۲۰۲۲، ص. ۷۳) در پژوهشی به بررسی و تعیین حاکمیت شرکتی اسلامی و رعایت شرعی علیه تقلب در بانک‌های اسلامی در اندونزی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی اسلامی، نسبت درآمد اسلامی و نسبت تقسیم سود، تأثیر قابل توجهی بر تقلب بانک‌های اسلامی دارد. در عین حال، نسبت عملکرد زکات بر تقلب بانک‌های اسلامی تأثیری ندارد. احمد و همکاران[2] (۲۰۲۲، ص. ۱۸۲۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر رعایت شرع اسلامی بر رضایت مشتریان، از طریق تأثیر میانجی کیفیت خدمات در خدمات بانکداری اسلامی پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد رعایت شرع اسلامی، تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت خدمات و رضایت مشتریان از خدمات بانکداری اسلامی دارد. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت خدمات تا حدی رابطه بین رعایت شرع اسلامی و رضایت مشتریان از خدمات بانکداری اسلامی را واسطه می‌کند.
- خمستون و همکاران[3] (۲۰۲۱، ص. ۲۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت نظارت شرعی بر سلامت بانک‌های اسلامی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های هیئت نظارت شرعی بر سلامت بانک، به‌ویژه در حوزه‌های نسبت کفایت سرمایه، کیفیت دارایی و نقدینگی تأثیر دارد، اما تأثیری بر کارایی مدیریت و سود ندارد. آمالیا و دیسی (۲۰۲۱، ص. ۱۲۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه فکری و رعایت شرعی بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی در جنوب شرق آسیا پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه فکری و رعایت شرعی بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی تأثیر نمی‌گذارد.
- صالحی‌فر (۱۴۰۰، ص. ۱۲۹) در پژوهشی به بررسی ابعاد راهبری شرکتی در بانک‌ها از دریچه پارادایم‌های نظریه اجتماعی پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که براساس پارادایم کارکردگرایی، تمامی الگوهای راهبری شرکتی به‌دنبال کاهش مسئله نمایندگی هستند، اما الگوی راهبری شرکتی اسلامی علاوه بر کاهش مسئله نمایندگی، دارای یک نظام راهبری چند بُعدی است که مؤلفه‌های دینی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. وجود هیئت شریعت (شورای فقهی) یک ویژگی متمایز بین بانک‌های اسلامی و بانک‌های غربی قلمداد می‌شود. براساس پارادایم تفسیرگرایی، راهبری شرکتی در بانک‌های اسلامی یک ساخت اجتماعی است که بر مبنای تعهدات اجتماعی و هنجارهای اخلاقی بنا می‌شود و اساس آن مبتنی بر چهارچوب اخلاق‌مدارانه است. مطابق با دیدگاه انسانگرایی بنیادی، اساس

[1] Supriatna et all
[2] Ahmed et all
[3] Khomsatun et all

راهبری شرکتی اسلامی مبتنی بر اصل مشورت در بین تمامی ذی‌نفعان بانک است و طبق پارادایم ساختارگرایی بنیادی، راهبری شرکتی دارای پایگاهی اجتماعی است.

- کارگری و همکاران (۱۳۹۶، ص. ۲۹) در پژوهشی به بررسی سیستم تصمیم‌یار نظارت شرعی بر عقود اسلامی بانکی با رویکرد فازی پرداخته‌اند. در این پژوهش، روشی ارایه شده که با بهره‌گیری از دانش نهفته در داده‌ها و اسناد تاریخی بانک و همچنین بهره‌گیری از نظر خبرگان امر، مدل رفتاری نرمال را شبیه‌سازی کرده و با استفاده از توابع عضویت تعریف شده فازی، میزان تطابق درخواست‌ها با رفتارهای مطلوب را تعیین کرده و نتیجه به‌صورت عددی بین صفر و یک در خروجی ارایه می‌شود که نشان‌دهنده میزان ریسک غیرشرعی بودن درخواست مورد پردازش است. این سیستم به‌صورت سیستمی تصمیم‌یار برای بانکدار عمل می‌کند که می‌تواند با سرعت بسیار بیشتری نسبت به بررسی‌های کاملاً انسانی عمل کرده و با گذشت زمان و بلوغ سیستم، نتایج به‌دست آمده از آن نیز واقعی‌تر و دقیق‌تر می‌شود و در نهایت، نیاز به بررسی‌های انسانی و دستی را تا حد ممکن کاهش می‌دهد.
- میثمی (۱۳۹۵، ص. ۱) در پژوهشی به بررسی نظارت شرعی در بانکداری اسلامی، ماهیت، تجربه، استانداردهای بین‌المللی و دلالت‌هایی برای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخت. نتایج نشان می‌دهد مهم‌ترین درس از تجارب بانک‌های اسلامی در سایر کشورها، برای نظام بانکی کشور ایران، آن است که بانکداری بدون ربا در کنار قانون مستقل، نیازمند ساختار نظارتی مجزاست. در واقع، بدون طراحی ساختار نظارت شرعی مؤثر نمی‌توان به اجرای قانون امید زیادی داشت و تجربه بیش از سه دهه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در کشور نیز این مسئله را تأیید می‌کند.
- موسویان و میسمی (۱۳۹۳، ص. ۱۰۱) در پژوهشی به آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارایه اصلاح‌های قانونی پرداخته‌اند. در این پژوهش که به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده، به تحلیل مقوله نظارت بر انطباق روابط موجود در نظام بانکی با ضوابط شرعی پرداخته شده و توصیه‌های سیاستی برای اجرایی‌سازی نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی کشور پیشنهاد شده است. افزون بر این، به‌منظور هموار کردن زمینه‌های قانونی راه‌اندازی نظارت شرعی، نمونه‌ای پیشنهادی از قوانین و مقررات لازم در سه سطح «اضافه شدن فصلی مستقل به قانون عملیات بانکی بدون ربا درباره نظارت شرعی»، «تدوین آیین‌نامه اجرایی فصل قانونی پیش‌گفته در جهت تشکیل شورای فقهی بانک مرکزی» و «تهیه چک‌لیست‌های نظارت شرعی از شعبه‌ها» ارایه شده است.

ادبیات نظری پژوهش

قاعده شرعی بودن از جنبه‌های اساسی است که صنعت مالی اسلامی را از همتای متعارف خود متمایز می‌کند. طبق نظر سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، رعایت شرعی به‌معنای پیروی از رهنمود، جهت، فلسفه اسلامی مرتبط با فتوا و دستورهای فلسفی است. رعایت شرعی، متضمن اصل اقدام برای انجام دادن کلیه فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی براساس آموزه‌های اسلامی از طریق فتوا و فلسفه اسلامی است. در عمل، رعایت شرعی برای بازنگری فعالیت‌های بانکداری اسلامی به‌منظور منضبط کردن و در مسیر به حداقل رساندن خطرهای احتمالی مورد نیاز است. (آمالیا و دیسی[1]: ۲۰۲۱، ص. ۱۳۱)

رعایت شرعی از ارکان اساسی در توسعه بانک‌های اسلامی است. منظور از رعایت شرعی در بانک‌های اسلامی، به‌کارگیری اصول اسلامی است. رعایت شرعی، چهارچوب نظری‌ای است که برای ارزیابی تعهد صنعت مالی اسلامی به ارزش‌های شرعی استفاده می‌شود. همچنین، پایه و اساس مدل تقسیم سود و زیان است که در بانک‌های اسلامی اجرا شده است. این موضوع نشان می‌دهد که این کشور، جایگاهی اساسی در صنعت مالی دارد. دلایل متعددی وجود دارد که چرا این الگو در امور مالی اسلامی ضروری تلقی می‌شود. نخست این‌که، چهارچوبی برای تمایز محصول است. دوم این‌که، شالوده سازمانی برای بانک‌هاست. (چئونگ[2]: ۲۰۲۱، ص. ۱۲)

این دو استدلال، بعد هستی‌شناختی این موضوع هستند که چرا تطبیق برای امور مالی اسلامی ضروری است. (کامر و همکاران[3]: ۲۰۱۵، ص. ۱۵) دلایل دیگر اهمیت را می‌توان از تلاش‌های مؤسسات مالی اسلامی مختلف برای اولویت‌بندی فعالیت‌هایشان شناسایی کرد. آنور و همکاران[4] (۲۰۲۰، ص. ۹) نشان دادند که ایران، سودان و پاکستان به‌عنوان نمایندگان تنظیم‌کننده رعایت شرعی در بین کشورهای دارای اکثریت مسلمان شناخته می‌شوند. همچنین، حنیف[5] (۲۰۱۸، ص. ۱۶۴) تأکید خاص‌تری را براساس چهار دسته ارزیابی، یعنی ساخت سبد سرمایه‌گذاری، دسترسی به امور مالی، شهرت و حاکمیت شرعی مورد مطالعه قرار داد و این نتیجه حاصل شد که صنعت مالی اسلامی در مالزی، پاکستان، بحرین و اندونزی در عملکرد رعایت، پویاست.

---

[1] Amalia & Desy
[2] Cheong
[3] Kammer et all
[4] Anwer et al
[5] Hanif

تأثیر حاکمیت شرعی و حاکمیت شرکتی و اجرای رعایت شرعی بر سطح اعتماد مشتریان در بانک‌های اسلامی

رعایت موازین شرعی از جنبه‌های اساسی‌ای است که صنعت مالی شرعی و متعارف را متمایز می‌کند. بنابراین، اعمال اصول حاکمیت شرعی توسط بانکداری اسلامی ممکن است بر سهم بازار بانکداری اسلامی تأثیر بگذارد. در یک مطالعه (احمد و چاپرا[1]: ۲۰۰۲)، حدود ۸۵ درصد از مشتریان به‌دلیل عدم اجرای اصول شرعی به بانک دیگری نقل مکان کردند. بنابراین، حاکمیت شرکتی خوب و به‌کارگیری اصول شرعی (حاکمیت شرعی) به‌منظور ارتقای وجهه و شهرت بانکداری اسلامی و همچنین حفظ منافع ذی‌نفعان در تلاش برای ایجاد اطمینان و اعتماد، به یک ضرورت تبدیل شده است. (سلیمان و همکاران[2]: ۲۰۲۰، ص. ۹۲)

حاکمیت شرکتی خوب، سیستمی است که شرکت را تنظیم و کنترل می‌کند تا ارزش افزوده برای همه سهامداران ایجاد کند. مفهوم حاکمیت شرکتی خوب را می‌توان به‌عنوان مفهوم مدیریت شرکت خوب تعبیر کرد. دو چیز در مفهوم حاکمیت شرکتی خوب تأکید شده است. نخست، اهمیت حق سهامداران برای به‌دست آوردن اطلاعات درست (دقیق). و دوم، تعهد شرکت به‌افشای اطلاعات شفاف، دقیق و به‌موقع در برابر کلیه اطلاعات عملکرد شرکت، مالکیت و ذی‌نفعان. (سلیمان و همکاران: ۲۰۲۰، ص. ۹۲)

رومادان و همکاران[3] (۲۰۱۸، ص. ۴۱) دریافتند که مسئولیت، استقلال، عدالت و پیروی از شرع بر وفاداری مشتری تأثیر می‌گذارد، در حالی که شفافیت تأثیر معناداری بر وفاداری مشتری ندارد. پژوهش دیگری توسط جانوسی[4] (۲۰۱۲، ص. ۴) به این نتیجه رسید که محاسبه کل ارزیابی اجرای حاکمیت شرعی در بانک‌های اسلامی، میانگین امتیاز ۳/۴۲۷ را با طبقه‌بندی خوب نشان می‌دهد. این امتیاز نشان می‌دهد که رعایت شرعی، شاخصی است که بیشترین سهم را در اجرای حاکمیت شرعی دارد. پایبندی به‌شرع، عامل اصلی مشتریان در ایجاد مشارکت با بانک‌های اسلامی و تصمیم‌گیری برای حفظ بانک‌های اسلامی است.

در همین حال، واردی[5] (۲۰۱۱، ص. ۳) معتقد است که اجرای حاکمیت شرعی شامل شش شاخص شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال، انصاف و رعایت شرعی، نتایج خوبی را نشان داده

[1] Ahmed & Chapra
[2] Sulaeman et all
[3] Rumadan et all
[4] Janusi
[5] Wardayati

است. رعایت شرع، شاخص غالب حاکمیت اسلامی است، در حالی که پاسخگویی و انصاف، شاخص‌های ضعیفی برای تبیین حاکمیت شرعی است. اجرای حاکمیت شرعی، تأثیر بسزایی در شهرت و اعتماد مشتریان به بانکداری اسلامی دارد. این نتیجه، توسط یورایدا و همکاران[1] (۲۰۱۶، ص. ۳) نیز پشتیبانی می‌شود که پیروی از شرع، شاخص غالب حاکمیت اسلامی است که به‌طور قابل توجهی بر شهرت و اعتماد مشتریان در بانکداری اسلامی تأثیر می‌گذارد.

مسائل نمایندگی در بانکداری اسلامی

مؤسسات مالی، زمانی در معرض مسائل نمایندگی قرار می‌گیرند که جدایی بین مالکیت و کنترل باعث می‌شود مدیران ارشد، منافع خود را بر منافع سهامداران ترجیح دهند. (فاما و جنسن[2]: ۱۹۸۳، ص. ۳۰۳) هرگونه تضاد منافع احتمالی باید بررسی، حذف و مدیریت مناسب شود. هدف مؤسسه مالی باید حفظ تابعی از رعایت و نظارت بر قوانین رعایت، مقررات و سیاست‌ها باشد. هدف باید تعیین و اجرای خط شفافی از پاسخگویی و مسئولیت باشد. چنین شیوه‌هایی به تدوین سازوکارهایی منجر می‌شود که با منافع مدیران و سهامداران هماهنگ می‌شود و به‌افزایش کنترل مؤسسه مالی منتهی می‌شود. (گومپرز و همکاران[3]: ۲۰۰۳، ص. ۱۰۹)

هنگامی‌که ساختارهای سازمانی از اصول اصلی خود منحرف می‌شوند، مسائل مربوط به روابط نمایندگی و حاکمیت شرکتی پیچیده‌تر می‌شود. به‌همین ترتیب، نظام مالی اسلامی بر دو اصل «حکمرانی مستحکم» و «ارزش‌های اخلاقی» استوار است. پیش‌بینی می‌شود مسئولیت اخلاقی و مفهوم اخلاق در بانک‌های اسلامی، پیامدهای سازمان یافته مانند کاهش اقدامات لازم برای ریسک‌پذیری را کاهش دهد. برخلاف بانکداری مرسوم که به مدیران اجازه می‌دهد در کسب سودهای بی‌شماری مشارکت کنند، در سازمان‌هایی که با اصول اخلاقی و/ یا اخلاق اسلامی کار می‌کنند، کمتر مورد تشویق قرار می‌گیرد. (عالم و همکاران[4]: ۲۰۲۰، ص. ۳)

در مؤسسات مالی اسلامی، یک هیئت نظارت شرعی گنجانده شده که به‌عنوان یک عنصر مکمل، اما حیاتی در فرایند حاکمیت شرکتی آن‌ها عمل می‌کند. (نومران و هارون[5]: ۲۰۱۹، ص. ۹۲) براساس

[1] Yuraida et all
[2] Fama & Jensen
[3] Gompers et all
[4] Alam et all
[5] Nomran & Haron

اصول شرعی برای کاهش رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت، هیئت نظارت شرعی به نمایندگی از ذی‌نفعان عمل می‌کند و مسئولیت تأیید و نظارت بر کلیه قراردادهای مالی و فعالیت‌های بانک را انجام می‌دهد. (عبدسلام و همکاران[1]: ۲۰۱۶، ص. ۱۵۷) برخی از مطالعات قبلی بر ساختارهای حاکمیت داخلی چندلایه و دوگانه متمرکز شده‌اند که بر عملکرد بانک‌های اسلامی و سیستم هیئت نظارت شرعی (محمد و محمد[2]: ۲۰۱۷، ص. ۷۷)، حاکمیت شرکتی و پیوند مدیریت سود در نظام بانکداری اسلامی (عبدسلام و همکاران: ۲۰۱۶، ص. ۱۵۷) و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های اسلامی، تأثیر می‌گذارد. (نومران و هارون: ۲۰۱۹، ص. ۹۲)

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، هفت استاندارد در مورد حاکمیت شرعی مؤسسات مالی بین‌المللی صادر کرده است. همچنین، چند دستورالعمل برای اعضای هیئت نظارت شرعی برای اطمینان از استقلال اعضا و محدود کردن تعداد اعضای متقابل صادر کرده است. این‌ها زمینه‌های ضروری حاکمیت شرعی هستند که از سوی تدوین‌کنندگان استانداردهای مالی اسلامی با توجه به پاسخگویی، شفافیت و رعایت اصول شرعی، نیازمند توجه کافی است. این‌ها همچنین برای تشویق حمایت عمومی از آداب و حرمت فرایندهای تجاری مؤسسات مالی اسلامی مهم هستند. (حسن و همکاران[3]: ۲۰۲۲، ص. ۸۹)

به گفته گراسا[4] (۲۰۱۳، ص. ۳۳۴)، حاکمیت شرعی بر تمام جنبه‌های بانکداری و مؤسسات مالی اسلامی حاکم است و در نتیجه، رعایت شرع مستلزم اعمال اصول خاص حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی است. مشارکت اعضای هیئت نظارت شرعی در پیگیری‌های حاکمیت شرکتی بانک اسلامی، باعث ایجاد برخی مسائل منحصر به‌فرد مانند محرمانگی، شایستگی، استقلال، سازگاری و افشا می‌شود. گراسا و همکاران[5] (۲۰۱۸، ص. ۷۶) شفافیت و شهرت را در لیست مسائلی اضافه کردند که به‌دلیل دخالت اعضای هیئت نظارت شرعی در حاکمیت شرکتی سیستم بانک اسلامی به‌وجود می‌آیند. می‌توان اشاره کرد که حاکمیت شرعی در موضوع افشا و گزارش‌دهی به ارسال اطلاعات شرعی به همه ذی‌نفعان مربوط اشاره دارد. (حسن و همکاران: ۲۰۲۲، ص. ۹۰)

[1] Abdelsalam et all
[2] Mohammed & Muhammed
[3] Hassan et all
[4] Grassa
[5] Grassa et all

قرآن، ربا، غرر، قمار و صنایعی مانند صنایع مرتبط با هرزه‌نگاری، فرآورده‌های گوشت خوک یا مشروبات الکلی را ممنوع کرده و این الزامات باید توسط اعضای هیئت نظارت شرعی و دست‌اندرکاران بانک‌های اسلامی به‌منظور رعایت فقه اسلامی در نظر گرفته شود. علاوه بر این، اعضای هیئت نظارت شرعی باید جزئیات محصولات مالی را بدانند تا از رعایت مؤسسات مالی اسلامی و سایر نهادهای نظارتی اطمینان حاصل کنند. (سول[1]: ۲۰۰۷، ص. ۱۷۵) فاید و عزت[2] (۲۰۱۷، ص. ۳) در مطالعه تجربی خود در مورد تضادهای مدیر– نماینده و رفتار ریسک‌پذیر بانک‌های اسلامی نشان دادند که تضاد بین مدیر– نماینده، هم در بانک‌های اسلامی و هم در بانک‌های معمولی، عمدتاً به‌دلیل تأثیر متضاد و معنادار آماری حقوق سهامداران بر رفتار ریسک‌پذیری مشهود است. علاوه بر این، آن‌ها دریافتند که تعارض بین مدیر– نماینده در بانک‌های معمولی با توجه به‌تأثیر آن‌ها بر عملکرد ذاتی است.

زین‌الدین و همکاران[3] (۲۰۱۸، ص:۲۹۷) در مطالعه خود به‌طور انتقادی، نظریه نمایندگی را از منظر بانک‌های اسلامی و ملاحظات اخلاقی یکپارچه در یک محیط مدیر– نماینده مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند حاکمیت شرعی ریشه در فعالیت‌های تجاری بانک‌های اسلامی دارد و آنان را قادر می‌سازد تا در مقایسه با بانک‌های معمولی، به مسائل اخلاقی اهمیت بیشتری بدهند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی، در مقایسه با بانک‌های معمولی، کمتر با مشکلات نمایندگی مواجهند.

ارزیابی و تجزیه و تحلیل تجربه نظارت شرعی در ایران

متأسفانه، پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲، هیچ نهادی مسئولیت نظارت بر اجرای صحیح این قانون را برعهده نداشت و نتیجه این امر، آن شد که پس از گذشت بیش از چهار دهه از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، هنوز هم شبهه ربوی بودن عملکرد نظام بانکی در برخی فعالیت‌ها وجود دارد. به‌نظر می‌رسد این پیش‌فرض در ذهن مسئولان و مجریان شکل گرفته که تأیید قانون عملیات بانکی بدون ربا توسط شورای نگهبان و اثبات عدم مغایرت آن با تعالیم شرع و قانون اساسی، خود، تضمین‌کننده اجرای صحیح آن نیز هست و تصویب این قانون، اسلامی شدن نظام بانکی را تضمین می‌کند. این در حالی است که به‌نظر می‌رسد اجرایی شدن صحیح قانون بانکداری بدون ربا به‌موارد دیگری غیر از قانون (با فرض بدون اشکال بودن آن) نیاز دارد که پرداختن به این موضوعات، خارج از حوزه کاری شورای نگهبان است. برای نمونه، مسئله

[1] Sole
[2] Fayed & Ezzat
[3] Zainuldin et all

نظارت بر اجرای صحیح قانون از مواردی است که در طول چند دهه تجربه بانکداری اسلامی در کشور به آن توجه زیادی نشده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، توجه مسئولان بانکی در کشور تا حدودی به این امر معطوف شده است. به‌نحوی که در سال ۱۳۸۳، شورایی به‌نام «شورای مشورتی بانکداری و مالیه اسلامی» در پژوهشکده پولی و بانکی وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی تشکیل شد. این شورا متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی، مسائل و شبهه‌های شرعی مطرح در عرصه بانکداری بدون ربا را مورد بحث و بررسی قرار داده و پیشنهادهایی برای اصلاح وضع موجود مطرح می‌سازد. (موسویان و میثمی: ۱۳۹۸، ص. ۱۰۸)

همچنین این شورا، در مواردی با بررسی ابزارهای جدید بانکی، پیشنهادهایی به شورای پول و اعتبار ارایه می‌کرد. این شورا پس از حدود دو سال فعالیت، به معاونت بانکی وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد و با ترکیبی منسجم‌تر، به بررسی مشکلات و موانع اجرای صحیح بانکداری بدون ربا پرداخت. این شورا پس از حدود سه سال فعالیت، افزون بر بررسی مسائل جاری بانکداری کشور، طرحی را به‌نام «الگوی جدید بانکداری بدون ربای ایران» ارایه کرد. این طرح در محافل گوناگون علمی داخلی و بین‌المللی ارایه شده و به‌نظر می‌رسد اجرای آن بتواند پاره‌ای از مشکلات بانکداری بدون ربا در کشور را برطرف کند. پس از تغییرات مدیریتی در بانک مرکزی و در ابتدای سال ۱۳۸۸، شورایی به‌نام «شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» در این بانک تشکیل شد. این شورا متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی، در عرصه نظارت بر رعایت ابزارهای جدید پیشنهادی طبق موازین شرعی، فعالیت می‌کند. گرچه این شورا هنوز جایگاه رسمی و قانونی ندارد، اما مصوبات فراوانی در زمینه‌های گوناگون داشته که برخی از آن‌ها عبارتند از: تدوین مقررات شرعی انتشار اوراق مشارکت ارزی، تدوین مقررات شرعی انتشار گواهی سپرده ارزی، تدوین مقررات شرعی استفاده از معامله‌های آتی ارز برای پوشش ریسک، طراحی ابزارهای معامله‌های بین بانکی در بانکداری بدون ربا. (میثمی و قلیچ: ۱۳۸۹، ص. ۹-۸)

بانک مرکزی نیز با هدف تقویت نظارت و تطبیق شرعی در شبکه بانکی کشور، در سال ۱۴۰۰ وظایف «مسئولان نظارت و تطبیق شرعی» شبکه بانکی و همچنین به‌منظور اجرای این تکالیف، نسخه اصلاحی «دستورالعمل تأیید صلاحیت و عزل یا هرگونه تغییر مدیران ارشد و اعضای کمیته‌های ریسک، حسابرسی داخلی و رعایت قوانین و مقررات (تطبیق) مؤسسات اعتباری» را به شبکه بانکی کشور ابلاغ کرد. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، این بانک پیرو بخشنامه قبلی خود با موضوع ابلاغ اصلاحیه «دستورالعمل تأیید صلاحیت و عزل یا هرگونه تغییر مدیران ارشد و اعضای

کمیته‌های ریسک، حسابرسی داخلی و رعایت قوانین و مقررات (تطبیق) مؤسسات اعتباری»، براساس مصوبه هیئت عامل بانک مرکزی و همچنین مصوبات مورخ ۲۶ آبان و ۱۰ آذرماه سال ۱۴۰۰ شورای فقهی این بانک، مقرر کرده با هدف تقویت نظارت و تطبیق شرعی در شبکه بانکی کشور، در هر یک از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، یک نفر به‌عنوان «مسئول نظارت و تطبیق شرعی» تعیین شود. فرد یاد شده عضو کمیته رعایت قوانین و مقررات بانک و مؤسسه اعتباری غیربانکی متبوع نیز محسوب شده و متکفل وظایف زیر خواهد بود:

- انجام دادن وظیفه نظارت و تطبیق شرعی از طریق شناسایی و مدیریت ریسک عدم رعایت موازین فقهی (ریسک شریعت) در تمامی سطوح بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی و اطمینان از پایش منظم و پیوسته رعایت این موازین در عمل؛
- اظهارنظر درخصوص تدوین/ بازنگری دستورالعمل‌ها و روش‌های داخلی بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی از جنبه فقهی، قبل از طرح در هیئت‌مدیره و اطمینان از رعایت ضوابط شرعی در همه سطوح نظام کنترل داخلی؛
- پاسخگویی به ابهامات شرعی و فقهی واحدهای مجری دستورالعمل‌ها و روش‌ها؛
- تدوین و ارایه گزارش سالانه انطباق با شریعت در رابطه با عملکرد کلی بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی براساس شیوه‌نامه اجرایی تدوین شده توسط دبیرخانه شورای فقهی؛
- نظارت بر اجرای صحیح دوره‌های تخصصی آموزشی پیشنهادی شورای فقهی در بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی. (بانک مرکزی: ۱۴۰۰، ص. ۱)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از محورهای طرح تحول اقتصادی، مسئله تحول در نظام بانکی است. به‌نظر می‌رسد این تحول دارای ابعاد مختلفی باشد که قطعاً یکی از آن‌ها (که شاید مهم‌ترین مورد آن نیز باشد)، تحول در اجرای بانکداری اسلامی در کشور است. در این مورد، موضوعات مختلفی قابل بحث است که مسلماً یکی از آن‌ها مسئله تقویت نظارت و رعایت شرعی، ارتقای سطح حاکمیت شرکتی خوب و کاهش مسائل نمایندگی در نظام بانکداری بدون ربا در کشور است. در واقع، به‌دلیل طبیعت خاص بانک‌های اسلامی، این نوع از بانک‌ها به نظارت خاصی نیاز دارند که نمی‌توان از آن غافل بود.

نظام بانکی در اکثر کشورهای اسلامی و بعضاً غیراسلامی، از خدمات نهاد ناظر شرعی در سطوح مختلف و تحت عناوین گوناگونی مانند هیئت شریعت، شورای شریعت (فقهی) و کمیته شریعت برای

اجرای صحیح بانکداری اسلامی بهره می‌برد. به‌نظر می‌رسد فقدان چنین نهادهایی در نظام بانکی ایران، زمینه بروز شبهه‌های شرعی درباره فعالیت‌های پولی و مالی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌سازد. از این‌رو، تأسیس و نهادینه‌سازی چنین تشکیلاتی در نظام بانکی کشور، افزون بر مزیت‌های دیگر، وجهه و جایگاه نظام بانکی را در سطح بین‌المللی نیز ارتقا می‌بخشد. از این‌رو، باید پذیرفت که اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا و منطبق با شرع، نیازمند اصلاح ساختار نظارتی فعلی بانک مرکزی و تقویت آن به‌صورتی است که نظارت بر شرعی بودن عملیات بانکی هم در کنار دیگر مقوله‌ها مورد توجه قرار گیرد.

در این جهت، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی نسبت به تدوین دستورالعملی مشخص برای ارتقای جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی اقدام ورزد. لازم است در این دستورالعمل برای شورای فقهی بانک مرکزی وظیفه‌های نظارتی، مشورتی و آموزش تعریف شود. به‌طور حتم، کامیابی شورای فقهی بانک مرکزی (و نیز مؤسسات اعتباری) در گرو ارتباط مؤثر با دانش علمی بانکداری اسلامی است. در این جهت، پیشنهاد می‌شود شورای فقهی بانک مرکزی نسبت به تشکیل اتاق فکر در مجموعه‌های پژوهشی مرتبط (مانند پژوهشکده پولی و بانکی) اقدام ورزد. این اتاق وظیفه دارد جدیدترین تحولات بانکداری اسلامی را از لحاظ ابزارها، شیوه‌ها و روش‌ها رصد کرده و پیشنهادهایی برای تصمیم‌گیری در اختیار شورای فقهی بانک مرکزی قرار دهد.

از سوی دیگر، از پیش‌نیازهای کامیابی نظارت شرعی، آموزش کارکنان درباره بحث‌های بانکداری اسلامی است. در این جهت، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی از تجربه سازمان بورس اوراق بهادار استفاده کرده و ضمن طراحی آزمون‌هایی مشخص، ورود کارمندان به شبکه بانکی را مشروط به کسب مدارک این آزمون‌ها کند. به‌طور حتم لازم است اصول بازار پولی اسلامی از محورهای مهم این آزمون‌ها باشد. مشابه آزمونی که در سازمان بورس و اوراق بهادار با عنوان اصول بازار سرمایه اسلامی برگزار می‌شود. افزون بر این، لازم است فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با بانکداری اسلامی از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی- پژوهشی معتبر در شبکه بانکی کشور استخدام شوند.

از آنجا که اصول حاکمیت شرکتی در ایران، موضوع نسبتاً جدیدی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، از انسجام لازم برخوردار نبوده و به‌صورت غیرمتمرکز، دستورالعمل و آیین‌نامه‌هایی تدوین و ابلاغ شده که بخش‌هایی از این اصول را در برمی‌گیرد. بنابراین، خلأهای قانونی و آیین‌نامه‌ای در این زمینه کاملاً مشهود است. از این‌رو، براساس وضعیت موجود و برای بهبود وضعیت حاکمیت شرکتی و بهره‌گیری از آن، پیشنهادهای به‌شرح زیر ارایه می‌شود.

- تدوین قوانین مرتبط با نظام حاکمیت شرکتی در لایحه اصلاحی قانون تجارت و اعمال آن در زیرمجموعه‌هایی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار، نظام بانکی و نهادهای مشابه دیگر. از قبیل پیش‌بینی ایجاد ساختار دولایه‌ای و تفکیک وظایف و مسئولیت‌های هیئت‌مدیره و هیئت عامل (هیئت نظارتی و هیئت اجرایی) قابل تأکید است.
- اصلاح و به‌روز کردن قوانین و مقررات کشور، به‌ویژه مقررات قانون تجارت، قانون پولی و بانکی و نیز قانون عملیات پولی و بانکی کشور.
- تدوین دستورالعمل حاکمیت شرکتی مطابق با استانداردهای جهانی و قوانین و مقررات موضوعه کشور و الزام بانک‌ها به‌اجرای نظام حاکمیت شرکتی اثربخش.

منابع و مآخذ

1- Abdelsalam, O., Dimitropoulos, P., Elnahass, M. & Leventis, S. (2016). Earnings management behaviors under different monitoring mechanisms: The case of Islamic and conventional banks. ***Journal of Economic Behavior & Organization***, 132(1) ,155-173.

2- Abdul Rahman, A., Abu Bakar, B. and Syafie, A.W. (2005), "Syariah governance of Islamic banks: perceptions of responsibility and independence of Syariah advisors", in Hassan, V., Shanmugam, B. and Perumal, V. (Eds), ***Corporate Governance: An Islamic Paradigm***, University Putra Malaysia, Serdang.

3- Ahmed, H., & Chapra, M. U. (2002). ***Corporate Governance in Islamic Financial Institution (Occasional Paper) (No. 93)***. The Islamic Research and Teaching Institute (IRTI).

4- Ahmed, S., Mohiuddin, M., Rahman, M., Tarique, K.M. and Azim, M. (2022), "The impact of Islamic Shariah compliance on customer satisfaction in Islamic banking services: mediating role of service quality. ***Journal of Islamic Marketing***. 13(9), 1829-1842.

5- Alam, N., Ramchandran, J. and Nahomy, A. (2020), The impact of corporate governance and agency effect on EM-A test of the dual banking system, ***Research in International Business and Finance***. 14(1), 1-24.

6- Amalia, P S. Desy N S. (2021). The Influence of Intellectual Capital and Sharia Compliance on Islamic Banks Financial Performance in Southeast Asia. ***Jurnal Ilmiah Akuntansi***, 12(3), 129-142.

7- Anwer, Z., Khan, S., & Abu Bakar, M. (2020). Sharīʿah-compliant central banking practices: Lessons from Muslim countries' experience. ***ISRA International Journal of Islamic Finance***, 12(1), 7–26.

8- Casper, M. (2012), "Sharia boards and Sharia compliance in the context of European corporate governance. ***Working paper, Center for Religion and Modernity, University of Münster, Münster***.
9- Central Bank of Islamic Republic of Iran. (2021). ***Amended version of the guidelines for approval of qualification and dismissal or any change of senior managers and members of risk committees, internal audit and compliance with the rules and regulations (adjustment) of credit institutions***. (In Persian)
10- Cheong, C.W.H. (2021). Risk, resilience, and Shariah-compliance. ***Research in International Business and Finance***, 55, Article 101313.
11- Fama, E.F. and Jensen, M.C. (1983), Separation of ownership and control, ***The Journal of Law and Economics***. 26(2), 301-325.
12- Fayed, M. and Ezzat, S. (2017), Do principal-agent conflicts impact performance and risk-taking behavior of Islamic banks?, ***Proceedings on the Middle Eastern and African Economies Conference***. 19(2).
13- Ginena, K. and Hamid, A. (2015), ***Foundations of Shari'ah Governance of Islamic Banks***, JohnWiley and Sons, Chichester, West Sussex.
14- Gompers, P., Ishii, J. and Metrick, A. (2003), Corporate governance and equity prices, ***The Quarterly Journal of Economics***. 118(1), 107-155.
15- Grassa, R. (2013), Shariah supervisory system in Islamic financial institutions: new issues and challenges: a comparative analysis between Southeast Asia models and GCC models, ***Humanomics***. 29(4), 333-348.
16- Grassa, R., Chakroun, R. and Hussainey, K. (2018), Corporate governance and Islamic banks' products and services disclosure, ***Accounting Research Journal***. 31(1), 75-89.
17- Hamza, H. (2013), "Sharia governance in Islamic banks: effectiveness and supervision model", ***International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management***. 6(3), 226-237.
18- Handayani, Y. I., Fadah, I., Utami, E. S., & Sumani. (2020). The Moderating Role of Corporate Social Responsibility in Determining Islamic Bank Margin. ***Jurnal Ekonomi Malaysia***, 54(1), 97–110.
19- Hanif, M. (2018). Sharīʿah-compliance ratings of the Islamic financial services industry: A quantitative approach. ***ISRA International Journal of Islamic Finance***, 10(2), 162–184.
20- Hasan, Z. (2012). ***Shari'ah Governance in Islamic Banks***, Edinburgh University Press, Edinburgh.
21- Hassan, A. Sohail, M. S. Munshi, M. M. R. (2022). Sharıʿah governance and agency dynamics of Islamic banking operations in the Kingdom of Saudi Arabia. ***International Journal of Islamic Finance***, 14(1), 89-106.

22- Ismail, A. F., & Wan Chik, W. M. Y. (2020). A Chronological Review of the Development of the Shariah Supervision System in Islam. ***Jurnal Islam Dan Masyarakat Kontemporari***, 21(3), 28-36.
23- IFSB. (2009). ***Guiding Principles in Shariah Governance Systems for Institutions Offering Islamic Financial Services***. Kuala Lumpur: IFSB.
24- Janusi, M. Z. (2012). Corporate Governance and Bank Performance: Case in Bangladesh. Retrieved from: ***Social Science Research Network,*** http://papers.Ssrn .com /sol3/papers.cfm?abstract_id=2208903, 1-37.
25- Kargari, M. eshghi, A. Talebi, M. (2017). Decision support system for sharia supervision of Islamic banking contracts with a fuzzy approach. ***Journal of Islamic Economics and Banking***, 6(21): 29-42. (In Persian)
26- Kammer, A., Norat, M., Pinon, M., Prasad, A., Towe, C.M., & Zeidane, Z. (2015). Islamic finance: Opportunities, challenges, and policy options. ***IMF Staff Discussion Notes***, (Vol. 2015, Issue 5).
27- Khomsatun, S. Rossieta, H. Amarullah, F. Nasution, M.E. (2021). Sharia Disclosure, Sharia Supervisory Board and the Moderating Effect of Regulatory Framework: The Impact on Soundness of Islamic Banking. ***Recent Developments in Asian Economics International Symposia in Economic Theory and Econometrics*** (pp.291-321).
28- Maithami, H. (2015). Shariah supervision in Islamic banking: nature, experience, international standards and implications for reforming the law of usury-free banking operations, the first international gathering of Islamic banking and financing, ***Positive and negative rules of Islamic financing***, Tehran. (In Persian)
29- Maysami, H. Ghilich, W. (2010). Shariah supervision and Shariah risk in Islamic banking: implications for the transformation plan of the banking system. ***Economic News*** 130: 1-9. (In Persian).
30- Mohammed, A.S.A.S. and Muhammed, J. (2017), The relationship between agency theory, stakeholder theory and Shari'ah supervisory board in Islamic banking: an attempt towards discussion, ***Humanomics***. 33(1), 75-83.
31- Mousavian, A. Maithami, H. (2019). Pathology of Shariah supervision in Iran's banking system and providing legal reforms. ***Islamic Economy***, 14(54): 101-129. (In Persian)
32- Mousaviyan, S. A. Misami, H. (2014). Pathology of Shariah supervision in Iran's banking system and providing legal reforms. ***Quarterly Journal of Islamic Economics***, 14(54): 101-129. (In Persian)

33- Mousaviyan, S. A. Misami, H. (2018). ***Shariah supervision of banks and Islamic financial institutions "providing a supervisory model for the country's banking system based on the experts' point of*** *view*". Publisher: Research Institute of Money and Banking, first edition. (In Persian)

34- Muhammad, S.F. and Sulong, Z. (2019), Corporate and Shariah governance mechanisms and earnings quality in Islamic banks: a review and evaluation of patterns, in Sidek, N., Said, R. and Hasan, W. (Eds), ***Islamic Development Management, Springer, Singapore***.

35- Naysary, B. (2020). A comprehensive appraisal of Sharīʿah governance practices in Malaysian Islamic banks. ***International Journal of Islamic Finance***, 12(3), 381-400.

36- Nomran, N. M., Haron, R. & Hassan, R. (2018). Shari'ah Supervisory Board Characteristics Effects on Islamic Banks' Performance: Evidence from Malaysia. ***International Journal of Bank Marketing***, 36(2), 290-304.

37- Nomran, N. and Haron, R. (2019), A systematic literature review on Shari'ah governance mechanism and firm performance in Islamic banking, ***Islamic Economics Studies***. 27(2), 91-123.

38- Rahaman, F.B.A. (2015), "Sharīʿah governance disclosure by Islamic banks in Malaysia", PhD Thesis, School of Business, ***Universiti Utara Malaysia***.

39- Ramli, N.M., Majid, A.S.A., Muhamed, N.A. and Yaakub, N.A. (2014), "Shari'ah governance disclosure index and institutional ownership of Islamic financial institutions in Malaysia", ***Proceedings of5th Asia-Pacific Business Research Conference***, 17-18 February, 2014, Hotel Istana, Kuala Lumpur.

40- Rumadan, R., Askandar, N. S., & Amin, M. (2018). Pengaruh Implementasi Syariah Governance Terhadap Loyalitas Nasabah. E-JRA: 39-50.

41- Salehifar, M. (2021). Evaluation of Corporate Governance Dimensions in Banks Through Social Theory Paradigms. ***Quarterly scientific journal of accounting and management audit knowledge,*** 10(38): 129-143. (In Persian)

42- Sole, J. (2007), Introducing Islamic banks into conventional banking systems, ***IMF Working Paper,*** No. 175.

43- Sulaeman, M. D. Pramono, S. E. Anwar, S. (2020). The Effect of Governance and Sharia Compliance Implementation Towards the Level of Customer Trust in Islamic Banks. ***Tazkia Islamic Finance and Business Review,*** 14(1): 91-100.

44- Supriatna, A. Umiyati. Kamal, M. (2022). The Influence of Sharia Compliance and Islamic Corporate Governance on Fraud. Journal of Islamic Economics. ***Management, and Finance***, 1(2), 73-85.

45- The law of banking operations without usury (1983). ***Resolutions of the Shura Council***, Article 27, Volume 1, p. 525. (In Persian)

46- Wardayati, S. M. (2011). Implikasi shariah governance terhadap reputasi dan kepercayaan bank syariah. ***Walisongo: Jurnal Penelitian Sosial Keagamaan***. 19(1), 1-24.

47- Yuraida, S., Kom, S., & Keuangan, K. (2016). ***Pengaruh Shariah Governance Terhadap Kepercayaan Nasabah Bank Syariah dengan Reputasi Perbankan sebagai Variabel mediasi (Tesis)***. Yogyakarta: Pascasarjana UIN Sunan Kalijaga.

48- Zainuldin, M.H., Lui, T.K. and Yii, K.J. (2018), Principal-agent relationship issues in Islamic banks: a view of Islamic ethical system, ***International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management***. 11(2), 297-311.